

www.ketab.ir

علی، صادقی ۱۳۳۹ -

آزادی و تاریخ: مطالعاتی در دیالکتیک هگل / علی صادقی
- آبادان: پرسش، ۱۳۸۴
۳۳۱ ص.

ISBN: 964 - 6629 - 85 - 7

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش ۱۸۳۱ - ۱۷۷۰

Hegel, Wilhelm Friedrich. نقد و تفسیر. ۲. دیالکتیک

الف. عنوان ب. عنوان: تأملاتی در دیالکتیک هگل

۱۹۳ B۲۹۴۸/ص ۲۵۹

ص ۶۱۲ / س

۱۳۸۴

کتابخانه ملی ایران ۱۲۵۲۵ - ۸۲م

آزادی و تاریخ

«تأملاتی در دیالکتیک هگل»

نوشته

علی صادقی



نشر پرسش

علی صادقی

آزادی و تاریخ

تأملاتی در دیالکتیک هگل

حروفنگاری / نمونه خوانی / صفحه‌آرایی /

نسخه‌پردازی : آتلیه نشر پرسش

چاپ: چاپخانه ورامینی

شمارگان: ۵۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۴

شابک ۷ - ۸۵ - ۶۶۲۹ - ۹۶۴

ISBN: 964-6629-85-7

قیمت: ۲۸۰۰ تومان

نشر پرسش - آبادان - پریم - میدان الفی - ساعتیان ارونبد - تلفن ۲۳۳۵۰۲۵
نشانی مکاتبات پستی: نشر پرسش - اصفهان - صندوق پستی ۳۱۶ - ۸۱۷۳۵

E-mail: porsesh @ hatmail.com

فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار
۱۱.....	فصل اول: از رُسناس تارومانتی سیسم
۱۳.....	رُسناس
۲۰.....	روشنگری
۴۲.....	ضد روشنگری
۵۶.....	کانت
۶۵.....	نهضت رُمانتیک
۷۳.....	فصل دوم: نوشتارهای نخستین
۱۱۳.....	فصل سوم: پدیدارشناسی و فلسفه تاریخ
۱۱۵.....	۱. فلسفه تاریخ
۱۷۷.....	۲. پدیدارشناسی روان
۲۴۰.....	۳. روان

فصل چهارم: منطق و دیالکتیک ۲۸۵

منطق ۲۸۷

هستی ۳۰۲

جوهر ۳۰۷

نمایه کتاب ۳۲۳

www.ketab.ir

پیشگفتار

درک فرهنگ و اندیشه غرب برای ما شرقیان همیشه کاری دشوار و شاید حتی دست نیافتنی بوده است. در این میان سوء تفاهم های فراوانی وجود دارد که زمینه را برای واکنش های افراط و تفریطی نسبت به غرب فراهم می آورد. واکنش های ما نسبت به غرب از آن رو بیمارگونه است که آن را شناخته ایم. اما چگونه می توانیم غرب را بشناسیم.

پیشینیان ما در زمان انقلاب مشروطه به این نتیجه رسیدند که می باید علوم و فنون جدید را از غرب آموخت و از این رو باید به تقویت زبان فارسی همت گماشت تا بتوان اندیشه ها و یافته های جدید را ترجمه نمود. زنده یاد علی اکبر دهخدا هم از این جهت به تألیف اثر عظیم و به یادماندنی خود، «لغت نامه» پرداخت، زیرا باور داشت که می باید فرهنگ نامه ای از واژه های فارسی در اختیار مترجمان قرار داد تا بتوانند آثار ارزشمند علمی غرب را به فارسی استواری برگردانند. این اندیشه در سالهای بعد قبول عام یافت و مترجمان فراوانی با اتکاء به کارهای علی اکبر دهخدا، دکتر معین و نظایر ایشان، آثار گرانقدری را به فارسی ترجمه کردند. نهضت ترجمه در ایران به خصوص طی سالهای اخیر پیشرفت چشمگیری داشته است و برخی از مترجمان زبردست ما، ترجمه را تا سرحد هنر پرورانده اند.

اکنون زمان آن رسیده است که از خود بپرسیم ترجمه تا چه میزان می تواند ما را در شناخت اندیشه و علم غرب یاری رساند؟ قدر مسلم آن است که در علومی چون پزشکی،

مهندسی و ریاضیات ترجمه آثار علمی می‌تواند گامی مؤثر در پیشبرد علم در کشور ما باشد. اما آیا در مورد اندیشه‌های سیاسی و فلسفی نیز می‌توان چنان رأی صادر نمود؟ آیا می‌توان آثار کانت و هگل را به همان شیوه آثار پزشکی در دسترس خواننده ایرانی قرار داد و انتظار داشت که این اندیشه‌ها بی‌هیچ سوء تفاهمی درک شوند؟ به باور من، پاسخ این پرسش منفی است. دلایل این ادعا به قرار ذیل است:

هر متنی در چارچوبی خاص معنا و مفهوم خود را دارد. فلسفه افلاطون را فقط می‌توان با توجه به اسطوره‌های یونان باستان شناخت. بدون درک «ایلیاد» هومر نمی‌توان «جمهوریت» افلاطون را دریافت. می‌توانیم سألۀ را با مثالی از فرهنگ خودمان روشن کنیم. کتاب عظیم «مثنوی» مولوی به بسیاری از زبانهای غربی ترجمه شده است. آیا خواننده غربی که این متن را مثلاً به زبان انگلیسی مطالعه می‌کند، اما هرگز کتاب آسمانی ما «قرآن» را نخوانده است، می‌تواند معانی مثنوی را درک کند؟ آیا می‌توان، بدون مطالعه قرآن، مثنوی را شناخت؟ گمان می‌کنم که خواننده محترم با من موافق باشد که چنین کاری محال است. مثنوی اثری است که در چارچوبی که قرآن بنا نموده، سروده شده و بدون توجه به آن چارچوب عظیم، نمی‌توان این اثر را درک کرد. متون اندیشه و فلسفه غرب را نیز باید در چارچوب فرهنگ خاص غرب بررسی کرد.

فرهنگ غرب ریشه در دو جریان تاریخی متفاوت دارد. رکن اول فرهنگ غرب، تمدن بزرگ یونان است که آثار علمی و فلسفی فراوانی از خود برجای گذاشته است. نماد این فرهنگ شخص سقراط بود. رکن دوم فرهنگ غرب دین مسیحیت است و نماد این دین، حضرت عیسی (ع) است.

درک این دو سنت یونانی و مسیحی پیش‌شرط درک آثار فیلسوفانی چون کانت و هگل است. خواننده‌ای که انجیل را نخوانده و با اساطیر یونانی آشنایی ندارد، نمی‌تواند کانت، هگل یا هر اندیشمند دیگر غربی را درک کند. درست به همین جهت است که باید در مورد ارزش آثار ترجمه شده به فارسی تا حدی شک کرد. حداقل باید پرسید که این آثار تا چه میزان به شناخت فرهنگ غرب کمک کرده است و تا چه میزان متون را از درون چارچوب خود خارج نموده و زمینه را برای سوء تفاهم‌های بسیار فراهم کرده است؟ آیا هنگامی که کانت از اخلاق سخن می‌گوید و این واژه را به کار می‌برد، از آن همان معنایی را مراد می‌کند که سعدی در گلستان و بوستان مدنظر داشته است؟

به همین سبب، به نظر من آمد که اندیشمندان غربی را باید در چارچوب خودشان بشناسیم و برای این کار به دنبال آثاری باشیم که برای مثال هگل را در چارچوب فرهنگ خود نشان دهد. اما نمی توان انتظار داشت که نویسنده ای غربی دغدغه ما ایرانیان را داشته باشد و بخواید کتابی خاص در شناساندن هگل به جامعه ایران بنگارد. حتی اگر چنین نویسنده ای پیدا شود، از آنجا که احتمالاً با فرهنگ و تفکر ما ناآشناست، نخواهد توانست هگل را به درستی به ما بشناساند. آثار نگاشته شده در مورد هگل در غرب، توسط نویسندگان غربی و برای خوانندگان غربی نگاشته شده است. در این آثار، نویسنده بر مبنای این فرض می نویسد که خواننده او غربی است، از کودکی به کلیسا رفته، به موعظه کشیشان گوش فراداده، انجیل را خوانده و تا حدی با داستانها و اساطیر یونانی آشناست. این حداقل انتظار از خواننده است. اما مسأله این است که این فرض در مورد خواننده ایرانی کاملاً نادرست است. خواننده ایرانی نه تنها با این حال و هوای فرهنگی بیگانه است، بلکه این خطر وجود دارد که متن هگل (و یا هر فیلسوف دیگری) را در حال و هوای فرهنگی خود تعبیر و تفسیر نماید. بر این مبنا، مطالعه متن ترجمه شده ممکن است خواننده را به جای درک اندیشه هگل، دچار بدفهمی کند و بسیاری از سوء تفاهم های موجود در میان تحصیلکردگان و اهل قلم از همین جا نشأت گرفته است.

این دغدغه مرا بر آن داشت تا کتابی در مورد هگل بنگارم. ساختار کتاب حاضر مبتنی بر تدریس اندیشه های هگل در دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان قرار دارد. پیش از نگارش این کتاب، بر آن بودم که متنی معتبر در مورد اندیشه های هگل را ترجمه نمایم. از میان آثار گوناگون چند اثر را انتخاب کردم. کتاب چارلز تیلور (*Charles Taylor*) تحت عنوان ساده "هگل" هنوز پس از گذشت نزدیک به بیست و پنج سال که از چاپ اول آن می گذرد، اثری بسیار ارزشمند و معتبر است. در سال ۱۹۹۷ کتابی در دو جلد تحت عنوان "تودبان هگل" توسط هگل شناس کانادایی هریس (*S. H. Harris*) انتشار یافت که تماماً به شرح اثر عظیم هگل، "پدیدارشناسی روان" اختصاص دارد و در نوع خود بی همتاست. در سال ۲۰۰۰ نیز اثر ارزشمند دیگری تحت عنوان (شرح حال هگل) توسط فیلسوف آمریکایی پینکارد (*Pinkard*) به چاپ رسید. اما علی رغم وجود متون ارزشمندی که می توان ترجمه نمود، به دلایلی که گذشت، تصمیم گرفتم خود دست به تألیف کتابی در باب اندیشه های هگل بزنم، که گمان می کنم خواننده ایرانی را بیشتر به کار آید.

کتاب حاضر حداقل مانع از بروز برخی سوء تفاهم‌ها خواهد شد و امیدوارم چهره‌ای واقعی‌تر از هگل به دست دهد. قضاوت نهایی البته با خوانندگان گرامی است.

دوست و همکار گرامی من آقای محمد زاهدی عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور در مورد این کتاب نیز مانند کتاب پیشین زحمت ویرایش ادبی متن را برعهده گرفتند و زمان زیادی را صرف بازخوانی آن نمودند؛ پدرم آقای اصغر صادقی متن را به دقت فراوانی مطالعه نموده و نکات بسیاری را متذکر شدند. اما زحمت اساسی و بنیادین را آقای دکتر محمدجواد صافیان برعهده داشتند؛ که بار اساسی ویرایش کتاب را برعهده گرفتند. از حسن قضا آنکه ایشان در زمانی به ویرایش کتاب پرداختند که مشغول کار بر روی پروژه‌ای در باب هگل بودند.

پروفسور جورج دی جیوانی (George Di Giovanni) و پروفسور فیلیپ باکلی (Philip Buckley) که هر دو از اساتید بنام گروه فلسفه دانشگاه مک‌گیل کانادا هستند، هرچند نمی‌توانستند متن را مطالعه کنند، اما طی نشست‌های فراوان، نکات چندی را پیرامون فلسفه هگل متذکر شدند. پروفسور جیوانی، هگل‌شناس معتبر، به‌خصوص در طی بیش از پانزده جلسه نشست با نگارنده برخی از نکات مبهم و مطالب غامض فلسفه هگل را که مورد بحث بین مفسران است، به سرانگشت تدبیر گشود. اما بدیهی است که نگارنده مسئولیت نهایی متن و تمام کاستی‌های آن را برعهده می‌گیرد.

علی صادقی

دانشگاه مک‌گیل

اردیبهشت ۱۳۸۰